

# قانون ازدواج با فرزند خوانده

## و

## مسئولیت اجتماعی شرکت

## در انتخابات

امیرفیض- حقوقدان

### قانون ازدواج با فرزند خوانده

پس از تقدیم تحریر <مسئولیت اجتماعی شرکت در انتخابات><sup>۱</sup> قانونی در مجلس و شورای نگهبان جمهوری اسلامی بتصویب رسید که میتواند شاهی حاضر و ناظر به مسئولیت اجتماعی ایرانیان نسبت به جمهوری اسلامی و از جمله شرکت در انتخابات شناخته شود.

### اجمال قضیه

اجمال قضیه بر این منوال است که قانونی بتصویب شورای نگهبان و مجلس رسیده که ماده ۲۷ آن به دارندگان فرزندان خود خوانده اجازه ازدواج با فرزند خوانده را میدهد. این قانون که تحت عنوان حمایت از کودکان بی سرپرست از اسفند ماه سال ۸۷ در مجلس بود بعلت اینکه اخلاق عمومی ایرانیان پذیرای چنین ازدواجی نبود مجلس نهم آنرا رد کرد؛ ولی نمایندگان دولت روحانی که مسئولیت سازمان بهزیستی اصرار در توجیه و قبول این طرح را داشتند و اعلام کرده بودند که مواردی وجود داشته و اگر در قانون نباشد مشکل ایجاد میکند. (۱)

به اجمال قضیه باید اضافه کرد که تا قبل از تصویب ماده ۲۷ قانون حمایت از خانواده، ازدواج سرپرست خانواده با فرزند خوانده ممنوع بود.

### کدام مشکل

همواره لوایح قانونی هنگامی تنظیم میگردد که جامعه کاملاً نیاز به قانون و یا مصوبه را احساس کند آنهم در حدی که اکثریت مردم همراه آمارها و نظرات کارشناسان عدم آنرا کمبود اساسی بشناسند و لازمه گردش چرخ اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی جامعه را وابسته به آن قانون بدانند و مسئله درج راند مورد بحث و نقد قرار گرفته و کمیسیون های مجلس بر آن اظهار نظر کنند در چنین شرائطی لایحه قانونی تهیه و به مجلس میرود و وقتی تصویب شد میشود قانون عام.

ماده ۲۷ مورد بحث بصورت و با تشریفات قانونی بتصویب رسیده ولی شرط لازم بر اثبات نیاز جامعه به این ماده قانون موجود نیست خاصه که در مجلس نهم به اعتبار عدم نیاز جامعه به ماده مزبور آن قانون رد شده است و هیچ دلیلی هم در دست نیست که از دوره نهم قانون گذاری تا دوره فعلی آنچنان تحولی در امر اجتماع بوجود آمده که نیاز جامعه رابه این قانون محرز سازد.

اساساً، مقبولیت عامه، نفی ازدواج با فرزند خوانده است و حسب ملاحظات تاریخی و اظهار نظر جامعه شناسان تمایل ازدواج با فرزند خوانده بسیار نادر و مخالف اخلاق عمومی ایرانیان شناخته شده است.

(۱) \_ نمایندگان دولت روحانی که اصرار در تصویب ماده مزبور را داشته گفته اند:

«مواردی وجود داشته و اگر در قانون نباشد مشکل ایجاد میکند» این مطلب بدست میآید که انگیزه تصویب ماده مزبور، موارد خاصی است که وجود داشته.

این موارد خاص که بنا بر اعلام دولت شیخ حس لازم تصویب ماده ۲۷ قانون مزبور شده است واقعا کدام است؟ مگر میشود قانونی در کشور وضع شود و انگیزه آن معلوم نباشد؟ چرا که مجلس از طریق انگیزه و دستاوردهای احتمالی قانون است که به آن رای مثبت میدهد.

انگیزه و علت وضع قانون اگر جنبه عمومی داشته باشد آن قانون میشود قانون عام و اگر مورد خاصی و یا مشمولین محدود و یا یکنفر سبب وضع قانون شده باشد آن قانون میشود قانون خاص مانند قانون بخشودگی خلیل طهماسبی قاتل سپهبد رزم آرا که در دوره نخست وزیری محمد مصدق به مجلس تحمیل شد.

پس قانون مزبور قانون عام نمیشود و قانون خاص خواهد بود یعنی قانونی که بمناسبت اتفاقی که روی داده و یا خواهد داد این ماده ۲۷ بتصویب رسیده است؛ و شمول قانون بمناسبت نیاز تمامی مردم نیست بلکه پاسخ دادن به خواست های افراد محدودی است (بنا بر اظهار نماینده دولت شیخ حسن).

اکنون پرسش این است که موارد خاصی که نمایندگان دولت روحانی به آن اشاره کرده اند چیست و مهمتر از آن اهمیت و فوریت آن چگونه است که در شرائط بحرانی کشور چه از نظر سیاسی و اقتصادی و بویژه تعیین تکلیف و صلاحیت کاندیدای مجلس اسلامی و خبرگان، قانون مزبور در آن درجه از فوریت و نیاز قرار گرفته است که دولت آنرا از بایگانی ۸ سال قبل بیرون کشیده و شورای نگهبان آنرا اصلاح و اسلامی کرده و با اصرار بتصویب مجلس رسانده است؟

## در جستجوی علت

این تحریر بسیار جستجو داشته که بتواند موارد خاصی که دولت شیخ حسن نخواستہ آنرا توضیح دهد و به آن متوسل شده پیدا کند که موفقیتی مستند و محکم نیافت ولی بهرحال اشاره به تصورات و احتمالات کار اضافی نیست.

❄ یکی اینکه - آماری که از سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی (در دولت شیخ حسن) منتشر شده نشان میدهد که نسبت ورودی تعداد کودکان بی سرپرست به سازمان بهزیستی ۵ برابر کودگانی است که به فرزند خواندگی افراد در میآیند و این نسبت فاحش و ادامه آن بار بسیار سنگینی است

بردوش سازمان و دولت. راه حلی که حکومت اندیشیده همین است که سازمان بهزیستی قانونا و در عمل تبدیل به سازمان سکسی شود و با وضع قانون جدید مردان هوس باز به امید آمیزش با دختران و زنان برای تامین حال و آینده سکسی خودشان، خردسالان را به بهانه فرزند خواندگی از سازمان بگیرند و تاملتی که خردسال هستند با اجازه ای که شرع داده از آنها استفاده شهوانی (غیر ازدخول) بنمایند مستند اجازه شرع را ملاحظه کنید.

<کسیکه زوجه ای کمتر از ۹ سال دارد وطی <دخول> او جایز نیست چه اینکه زوجه دائمی باشد و یا منقطع؛ اما سایر کامگیری ها از قبیل لمس بشهوت و آغوش گرفتن و باران اوشهوترانی کردن اشکالی ندارد هر چند شیرخوار باشد<

(خمینی تحریر الوسیله باب نکاح جلد سوم صفحه ۴۳۰)

وقتی هم که اطفال به رشد لازم رسیدند بعنوان عقد شرعی از آنها بهره برداری کنند. قانون مزبور به مردان و زنانی که حتی قدری خود را در قیود اخلاقی و رعایت عرف معمول میدانند مشوق خواهد بود که از قید اخلاقی خلاص شده و مترصد از بهره برداری از این قانون گردند.

خبرگزاریها اعلام کردند که ۱۰ هزار کودک پناهجو در کشورهای اروپایی بوسیله باند های تبهکاری ربوده شده اند. (۱۲ بهمن ۹۴)

یعنی موقعیت استثنائی پناهجویان به تبهکاران این فرصت راداده است که ۱۰،۰۰۰ کودک را بر بایند.

قانون مزبور یک زمینه بسیار مساعد برای تبهکاران و کودک ربایان فراهم میسازد که مترصد استفاده از هر فرصتی هستند.

طبق آمار جمهوری اسلامی در سال گذشته ۸۰۰ هزار کودک ایرانی بین ۱۰ تا ۱۶ سال ازدواج کرده اند

قانون اجازه ازدواج با فرزند خوانده، در جامعه ایرانی که گرایش به ازدواج با دختر بچه ها (قانون اسلام) بسیار زیاد است سبب تجری افراد به حقوق کودکان خردسال خواهد شد.

**البته قانون مزبور سبب کسرمخارج دولت و سازمان بهزیستی هم میگردد ولی راه نزدیک تری هم وجود دارد و آن اساسا تعطیل دکان بهزیستی و یا فروش کودکان بی سرپرست در بازار برده فروشی کشورهای خلیج فارس است!**

مگر در صدر اسلام سازمان بهزیستی وجود داشته است؟ ابداء اطفال بی سرپرست و ویلان مال حکومت محسوب و حاکم به هر که میخواست می بخشید و یا میفروخت. در حکومت اسلامی تشیع که ایران گرفتار آن است حاکم که ولی فقیه است بر جان و مال مردم تسلط دارد؛ در این حالت چه نیازی به وضع قانون جدید برای خلاصی از مخارج سازمان بهزیستی خواهد بود.

دوم - این فرض ممکن است متصور نزدیک باشد که کسانی از بزرگان جمهوری اسلامی در گرفتاری پائین تنه در موقعیتی قرار گرفته اند که باید با فرزند خوانده خود ازدواج کنند و یا نزدیکی قبلی را به ازدواج قانونی تبدیل نمایند و مشکل آنها نبود قانون ازدواج پدر خوانده با فرزند خوانده است و این همان است که از اظهارات نماینده دولت شیخ حسن برداشت میشود و در کنار آن میتوان به اظهارات آقای حسن

کیا حقوقدان دولتی استناد کرد که گفته است <تاکنون سه مورد از این نوع ازدواجها گزارش شده است اما مشکل از ازدواج هایی است که بصورت غیررسمی انجام میگردد> که بالطبع قانون مزبور مشکل غیررسمی بودن ازدواج با فرزند خوانده را مرتفع خواهد ساخت و آخوندهای منتفع از این قانون را آسوده خیال خواهد ساخت.

چنین امری در اسلام بی سابقه نیست و محمد هم وقتی گرفتار چنین فشار و ممنوعیت شرعی بود (داستان زینب) خدا آیه ای در قرآن فرستاد و رفع محذور از محمد کرد (آیات ۳۶ و ۳۷ سوره احزاب) اکنون هم جمهوری اسلامی با وضع قانون مزبور از اولاد محمد سلب محظوریت و رفع عزیت کرده است.

## شورای نگهبان

گروهی از ایرانیان عمل شورای نگهبان در تائید هماهنگی قانون ازدواج با فرزند خوانده را اقدامی منافی منافع و اخلاق ملی دانسته و تقبیح میکنند؛ و دلایل قابل قبولی هم ارائه داده اند ولی ایراد آنها بایک موضع روبروست و آن اینکه نه شورای نگهبان و نه جمهوری اسلامی و نه اسلام برای منافع ملی و اخلاق ارزشی قائل نیستند و احکام اسلامی را تامین کننده اخلاق و منافع مسلمانان میدانند نه عرف و قانون و حکم و منافع اسلام هم قرآن و سنت است.

**حاشیه** = این تصور که شورای نگهبان جمهوری اسلامی تطبیق مورد با قانون اساسی و شرع اسلام مینماید بکل باطل است شورای نگهبان در واقع شورای نگهبان جمهوری اسلامی و بدنه آن است نمونه ای که میتواند فرض مزبور را به یقین تبدیل سازد این است.

برجام با آنکه حاکمیت کشور کفر آمریکا را بر ایران اسلامی بمدت ۲۵ سال مقرر کرده و این عمل و تعهد ایران دقیقا خلاف اسلام و قرآن است ولی شورای نگهبان به اعتبار اینکه ادامه حیات جمهوری اسلامی منوط به تائید برجام و همان اصل سلطه ۲۵ ساله کفر بر اسلام است آنرا تائید کرد و در عبارت روشنتر شورای نگهبان چیزی را تائید و یا رد میکند که سید علی متولی جمهوری اسلامی آنرا تجویز کند (پایان حاشیه)

قرآن در آیه ای تمام محارم نسبی و سبی که مانع ازدواج میباشد را دقیقا نام برده است و در آن ردیف مفصل به **هیچوجه از فرزند خوانده** نامی نیست و چون قرآن آنرا حرام نکرده بنابراین به حکم آیه ای که میگوید چیزی را که خدا حرام نکرده بنده خدا نمیاید حرام کند و برعکس، شورای نگهبان و اساسا جمهوری اسلامی و در نهایت تمام مسلمانان ایران نمیتوانند ازدواج با فرزند خوانده را محکوم کنند.

در فقه اسلامی فرزند خوانده از حقوق نسبی محروم است نام فامیل او باید بانام پدر اصلی او خطاب شود نه، نام پدر خوانده - فرزند خوانده ارث نمیبرد، و همچنین پدر خوانده هم از فرزند خوانده ارث نمیبرد. در دم قدیم و دین زرتشت به فرزند خوانده اهمیت بسیاری میدادند در دم قدیم فرزند خوانده همانند فرزند نسبی دارای حقوق خانواده بود و وارث محسوب میگردد و بالطبع ازدواج با او هم حرام بود. در حقوق فرانسه امروزی دونوع فرزند خوانده وجود دارد نوع کامل و ساده در نوع کامل فرزند از تمام حقوق نسبی خانواده بهره مند است، ارث هم میبرد و تفاوتی بین او و سایر فرزندان نیست و نوع ساده آن بستگی به قراردادی است که در مورد فرزند خوانده تنظیم میشود.

در ایران از زمان تسلط اسلام با آنکه اسلام ازدواج با فرزند خوانده را حرام نکرده معهذا باور عمومی نشئت یافته از قبیح عمل، اجازه ازدواج با فرزند خوانده را نمیداد و کسی بدنبال آن نبود و قانون مورد عمل جمهوری اسلامی گرچه اسلامی است ولی پاره کننده قبحی است که ۱۴۰۰ سال ایرانیان مسلمان به اعتبار فرهنگ ایرانیان، بر آن وحدت ایمان و عقیده داشته اند.

### نتیجه گیری از این تفصیل

❖ جامعه ایران بسرعت بسوی فحای اخلاقی و انسانییت پیش میرود و در کلامی دیگر آهسته، آهسته به یک جامعه تمام عیار اسلامی تبدیل میشود.

آقای سیاوش شهریور مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی استان تهران هم روز یکشنبه ۱۸ بهمن تانید کرد مواردی از فروش نوزادان کشف شده است و باید بپذیریم که بخشی از نوزادان فروشی بشکلی سازمان یافته انجام میشود.

بسیار مهم و پرمعناست که دولت اعلام میکند که نوزاد فروشی بشکلی سازمان یافته انجام میشود. این اعلام بیانگر ریشه ای بودن فساد است که از دولت جدانیست و نوزاد فروشی هم عمل حرام و غیر اسلامی نیست والا چگونه ممکن است دولت اسلامی از وجود سازمان های فروش بچه مطلع باشد و وجود فعالیت های سازمانی آنها را هم به اطلاع مردم برساند.



جذابیت منفی این اعلام مدیرکل اجتماعی و فرهنگی استان تهران از این جهت است که خبر مزبور مقارن انتشار قانون ازدواج با فرزند خوانده است یعنی نشان میدهد که همه ابعاد فساد اخلاقی و اجتماعی

اسلام دقیقاً در سرزمین کشور ما در حال رشد است؛ چراکه فساد نمیتواند تنها در یک مسیر حرکت کند و باید در مسیرهای مشابه حرکت های هماهنگ داشته باشد.

دولت اسلام زده جمهوری اسلامی ایران همانطور که نتوانست قبحی برای ازدواج با فرزند خوانده قائل بشود همانطور هم نمیتواند قبحی برای نوزاد فروشی قائل شود و اگر هم در قانون به آن اشاره شده برای خالی نبودن عریضه است و الا در باب معاملات و زواج حرام و حلال در اسلام هیچ منعی برای فروش نوزاد و یا ازدواج با فرزند خوانده نیست. معاملات حرام در فقه اسلامی ۷ مورد است که فروش نوزاد شامل موارد ۷ گانه فوق نشده است.

### **کمپین های مقاومت و همصدائی**

فیس بوکهائی پیشقدم تشکیل کمپین و جمع آوری امضا شده اند تا با همصدائی این قانون را نسخ و متوقف سازند. قانون مزبور بوسیله نمایندگان مردم تصویب شده و موکل نمیتواند از عمل و تصمیم وکیل سلب اعتبار کند.

مسئول تعهدات و اقدامات وکیل متوجه موکل یعنی همه کسانی است که به جمهوری اسلامی رای داده اند و بعد هم با شرکت در انتخابات نماینده و وکیل خود را برای همکاری و معاضدت در اجرای قانون اساسی انتخاب کرده اند.

مسئول ازدواج یک نره خر بایک دختر بچه مظلوم، تحت عنوان پدر خوانده و مسئول واقعی و حقیقی دختران و پسران خردسالی که بطور سازمان یافته بفروش میروند همین حضرات هستند که در گذشته در انتخابات شرکت کرده اند.

**راه حفظ شرافت ملی و هویت ایرانی و پاسداری از اقتدار اخلاق و فرهنگ ایرانی در انتخابات نیست بلکه قرار گرفتن زیر پرچم عدم مشروعیت جمهوری اسلامی است که متضمن نسخ و بی اعتبار دانستن تمامی قوانین مصوبه از طویله اسلامی است.**

مخارج دولت راهم کمتر و از همه مهمتر یک مانع اسلامی را از جامعه مسلمان ایران پاک کرده اند چراکه اسلام ازدواج و نزدیکی با محارمین که دقیقاً احصاء کرده است را حرام میداند و در آن احصائیه نامی از فرزند خوانده نیست و درسختی کوتاه منعی بر آن نیست و برعکس به اعتبار سنت محمد و آیه میتوان گفت که چون خدا ازدواج و نزدیکی با فرزند خوانده را منع نکرده پس تاسی به آن حجت است.

### **فرزند خواندگی در جمهوری اسلامی**

فقه شیعه که اساس قانونگراری جمهوری اسلامی است قائل به حقوق نسبی برای فرزند خوانده نیست و همین به حرمت ازدواج بین پدر با فرزند خوانده اعتباری نمیدهد و بر همین اصل نسبی فرزند خوانده هم ارث از پدر و مادر مجازی خود نمیبرد و پدر و مادر مجازی هم از فرزند خوانده خود ارث نخواهند برد فقط نفقه و هزینه زندگی فرزند خواند به عهده خانواده مجازی است.

در تشبیه میتوان گفت که ماده ۲۷ که در تائید فقه تشیع به تصویب رسیده حکم آنرا دارد که کسی بره ای را بخرد و آنرا نگهداری و علوفه بدهد و بعد که فربه شد بفروشد و یا کباب کند و در تطبیق دختر را بفروشد (معمول در جوامع اسلامی) و یا به سیخ شهوانی بکشد.

"Prophet, We have made lawful to you the wives to whom you have granted dowries and the slave girls whom God has given you as booty."  
~ Quran (Koran) 33:50